

خاندان او می آید و بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که میفرموده بانی صاحب خود را
الفت میداد و قلب را جفت را کلام میداد و مرا با فضل را و بی تعبیه
بشود خود را از مسجک و جفا میکند و کجی و چول میکند و معذرت کند نشد
بسوی او تویی و ضعیف نزد او برار بود و حق و میکند پشت مجلس
پس پشت خود که برود پس او میفرمود که نهالی سار پشت من از
برای ملائکه و میکند پشت مجلس را که برود بار و حال که او سوار بود و دیگر
میکرد با خود پس که را با خود شخص میفرمود پیش شوازم بران جای کار
میداری آزاد حضرت میکرد پس را که حضرت میکرد آنحضرت را علیه السلام
و بود در امور اعلان و نیز با و میکند بگویی در کل و مرتب ایشان و
پسین در لباس **قال** من رضی الله عنه ضمه نحو عشت نه فواته ما
صحبه فی حضوره لا یفتر الا کانت خدمته لی التزم فی منی له و ما قهر قط
اقرب و لا فاکتشی فعله لم یخلت کذا و لا تفتی لم یفعل الا
کذا و کان فی سفره فامر باصلاح شاة فقال جل رسول الله علی و کما
وقد الامر علی سخنا و قال الله علی لهما فقال علیه سلام و علی جمع
الخطب فقالوا یا رسول الله نحن انما نکتفک فقال علیه سلام و علی ما کلم

کون

کونونی و لکنی کرده ان ایتمیز علیکم ان الله یکره من عبده ان یكون براه
بتیغیر این اصحاب تمام سبغ الخطب کان فی سفر فندون الی الصلوة
ثم کمره جفا فقبل له یا رسول الله انی ترید قال نعم لانی قالوا کن
نصایها قال سیتین احدکم بالناس و یوفی قبضته من مویک کذا فی
نور العین و بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که می نشست و بی روح
مگر بر خدایایی و چون رسید و منتر پشت بی نعوم بی نشست و جفا
کشتی بی نشد بدان جای مجلس و ام میفرمود بدان و میداد پیش
خود را بر روی بی می نشست عمده این او که کسی بهتر است نزد آن حضرت
از وی و چون می نشست نزد وی از زبان بی بر خدایا می کلام
که بر میخواست آنکس نشسته بود نزد او مگر که شبانی کردی بدان هقه
ادری از امور پس از آن میخواست از آن کس تعابد میکند و میگوید
بر آنچه مکر می نشست و مباد که میکند بدی را مثل آن بل عضو میکند و بود
آنحضرت صلی الله علیه و سلم که عبادت میکرد در ایضا از او دست میدهد
مسکنا از او مجال میفرمود پیشان و حضرتشده جازه را از ایشان
و میفرمود و غیر سبب نفرویی و و پشت میکند از آن ملک